روزنامه صبح
سیاسی، اجتماعی، اقتصادی
توسعه ایرانی

صاحب امتیاز: موسسه اطلاع‌رسانی و خبرگزاری ایلنا
مدیرمسئول: مسعود حیدری
زیر نظر شورای سردبیری
مدیر بازرگانی و روابط عمومی: مرتضی بلوکی

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷
نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به روانمهر، پلاک ۱۳۲
تلفن تحریریه: ۶۶۹۵۶۶۰۰(۰۲۱)
نشانی سایت: toseeirani.ir
اینستاگرام: @tosee_irani
ایمیل: toseirani@gmail.com

آنلاین
toseeirani.ir
شماره ۲۲۸۸ / پنجشنبه ۹ مهر ۱۴۰۵ / ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸ / ۱ اکتبر ۲۰۲۶

منهای فوتبال

غرش امین میرزازاده در روز پرالتهاب کاروان ایران
طلوع طلایی

نگار رشیدی

روز یازدهم بازی‌های آسیایی ۲۰۲۶، روزی پر از بیم و امید، اشک و لبخند و البته نبردهای نفس‌گیر برای نمایندگان ورزش ایران در رشته‌های گوناگون بود. در روزی که بسیاری از ورزشکاران شایسته کشورمان برابر رقبای سرسخت و آماده آسیایی متوقف شدند، این تشک کشتی فرنگی و دلاوری یک پهلوان سنگین‌وزن بود که آبروداری کرد و تنها مدال روز یازدهم، آن هم از خوش‌رنگ‌ترین نوعش را برای ایران به ارمغان آورد. کاروان ورزشی ایران در یازدهمین روز این مسابقات (چهارشنبه هشتم مهر) با تکیه بر بازوان توانمند امین میرزازاده، موفق شد یازدهمین مدال طلای خود را دشت کند. با ثبت این نتیجه، مجموع مدال‌های کاروان ایران در پایان روز یازدهم به عدد ۳۹ رسید که شامل ۱۱ مدال طلا، ۱۶ نشان نقره و ۱۲ مدال برنز می‌شود. اما در گذرگاه این روز پرحادثه در ناگویا چه داستان‌هایی رقم خورد؟

همه نگاه‌ها و امیدها به سالن مسابقات کشتی دوخته شده بود. امین میرزازاده، ملی‌پوش پرقدرت وزن ۱۳۰ کیلوگرم کشتی فرنگی ایران، امید اول کاروان برای شکستن طلسم بی‌مدالی در روز یازدهم به شمار می‌رفت. او پس از استراحت در دور نخست مسابقات، با صلابت کامل وارد میدان شد و در مرحله یک‌چهارم نهایی برابر مورات بوتویف، کشتی‌گیر اهل قرقیزستان قرار گرفت. میرزازاده در این دیدار با یک نمایش بی‌نقص، هجومی و کاملا برتر، توانست حریف خود را با نتیجه قاطع هفت بر صفر در هم بشکند و برای رسیدن به سکوی قهرمانی خط و نشان بکشد. اما نبرد در مرحله نیمه‌نهایی، داستانی کاملا متفاوت و پرگره داشت. رویارویی با لینگ‌ژه منگ از کشور چین، به یک رقابت فرسایشی تبدیل شد. در نهایت این مبارزه حساس با تساوی یک-یک خاتمه یافت، اما نماینده شایسته ایران موفق شد پیروز این نبرد لقب بگیرد و با شایستگی گام به دیدار نهایی بگذارد. در ایستگاه پایانی، میرزازاده به مصاف رافائل سیتسوالشویلی از ازبکستان رفت. در یک نبرد تماشایی، ملی‌پوش کشورمان با اجرای دقیق تاکتیک‌ها توانست با نتیجه سه بر یک از سد حریف ازبکستانی خود بگذرد و صاحب گردن‌آویز طلا شود. میرزازاده با شکست تمامی رقبایش بر بام آسیا ایستاد و یازدهمین طلای کاروان را به نام خود ضرب کرد.



متاسفانه شانس با دیگر فرنگی‌کاران ایران یار نبود. در وزن ۸۷ کیلوگرم، غلامرضا فرخی که عنوان قهرمان سال ۲۰۲۵ جهان را یدک می‌کشید، در مرحله یک‌هشتم نهایی در دیداری نزدیک با نتیجه ۶-۶ مغلوب شمیل اوژایف از قزاقستان شد. فرخی برای حضور در جدول ریپشارژ (شانس مجدد) منتظر صعود حریفش به فینال ماند، اما با شکست این فرنگی‌کار قزاق در نیمه‌نهایی مقابل نماینده قرقیزستان، شانس ادامه رقابت از فرخی سلب شد و او از مسابقات حذف گردید. داستان محمدجواد رضایی در وزن ۶۷ کیلوگرم هم دست کمی از یک تراژدی نداشت. او در مرحله یک‌هشتم برابر میرژان شرماخانبت، دارنده مدال برنز جهان از قزاقستان روی تشک رفت. رضایی در وقت اول طوفانی ظاهر شد و با نتیجه پنج بر صفر پیش افتاد، اما در پایان با نتیجه تلخ ۱۴ بر پنج مغلوب شد. با شکست شرماخانبت در نیمه‌نهایی برابر حریفی از ژاپن، رضایی نیز شانس ریپشارژ را از دست داد و با مسابقات وداع کرد. در رشته جودو هم اتفاقات به سود نمایندگان ما رقم نخورد. ابوالفضل محمودی در وزن ۶۶-کیلوگرم در یک‌هشتم نهایی مقابل کیم چان نیونگ از کره جنوبی با دریافت سه اخطار (هانسوکو) و اخراج از تاتامی، نتیجه را واگذار کرد و حذف شد. مهساشکیبایی در وزن ۵۲-کیلوگرم بانوان نیز در همین مرحله برابر مدینا قربان‌زود از تاجیکستانی اپیون شد و از صعود بازماند.

تیم میکس تیراندازی ایران با ترکیب مرضیه پرورش‌نیا و محمد بیرانوند، دست به کار بزرگی زد. در دور مقدماتی، پرورش‌نیا امتیازات ۲۵، ۲۰ و ۲۴ و بیرانوند امتیازات ۲۲، ۲۳ و ۲۴ را در سه راند ثبت کردند. تیم میکس ایران با کسب مجموع ۱۳۸ امتیاز پس از چین و قطر در رده سوم دور مقدماتی قرار گرفت و برای نخستین‌بار در تاریخ این رشته راهی فینال بازی‌های آسیایی شد. در رقابت‌های فینال، تیم ایران در جدال با چین، قطر و هند موفق به کسب ۱۲ امتیاز شد و با قرار گرفتن در رده چهارم، از کسب مدال بازماند.

تیم والیبال ساحلی ایران متشکل از عباس پورعسگری و علیرضا آقاجانی در مرحله یک‌چهارم نهایی به مصاف قطر رفت. تیم قطر که سابقه قهرمانی در بازی‌های آسیایی ۲۰۱۸ و ۲۰۲۲ را در کارنامه داشت، توانست با نتیجه دو بر صفر (۲۱ بر ۱۳ و ۲۲ بر ۲۰) ایران را شکست دهد و نمایندگان ما از صعود به نیمه‌نهایی بازماندند. در رشته پدل، روزی پرنوسان را شاهد بودیم. تیم دونفره مردان (حامی گلستانی و آریا روغنی) با نمایشی مقتدرانه تیم هنگ کنگ را با نتیجه دو بر صفر (۶-۱ و ۶-۰) شکست داد و به یک‌چهارم نهایی رسید. در بخش بانوان، تیم صحابه فرد و زهرا کهریزی در یک‌هشتم نهایی برابر اندونزی با نتیجه دو بر صفر (۶-۳ و ۶-۱) شکست خورد و کنار رفت. اما دیگر تیم دونفره بانوان با ترکیب صبا نجفی و ندا محمدتقی‌پور با برتری دو بر یک مقابل مالزی، جواز صعود به مرحله یک‌چهارم نهایی را به دست آورد. در مسابقات تنیس، تیم دونفره بانوان ایران با ترکیب مشکات الزهرا صفی و ماندگار فرزامی در دور دوم برابر تیم قدرتمند ژاپن به میدان رفتند و با پذیرش شکست دو بر صفر (۶-۰ و ۶-۰) از دور رقابت‌ها حذف شدند. روز یازدهم بازی‌های آسیایی ۲۰۲۶ با تمام فراز و نشیب‌هایش به پایان رسید و درخشش امین میرزازاده به عنوان نقطه عطف کاروان، بار دیگر ثابت کرد که ورزش ایران در آوردگاه‌های حساس، همواره ستارگانی برای درخشیدن در آستین دارد.

وقتی ژنرال سربازانش را قربانی می‌کند
سقوط آزاد در امپراتوری توهم

آریا طاری

سرمای استخوان‌سوز شهر کازان، تنها بخشی از یخ‌زدگی عمیقی بود که این روزها بر پیکره تیم ملی فوتبال ایران سایه انداخته است. وقتی سوت پایان بازی با روسیه به صدا درآمد و تابلوی نتایج ورزشگاه، عدد تلخ دو بر صفر را به رخ کشید، دیگر خبری از آن ژست‌های فاتحانه کنار خط نبود. تیمی که قرار بود پس از یک جام جهانی ناامیدکننده، برخیزد و برای پایان دادن به حسرت ۵۰ ساله در جام ملت‌های آسیا خیز بردارد، حالا در گردابی از سردرگمی، بی‌برنامگی و بهانه‌جویی‌های بی‌پایان دست و پا می‌زند. تیم ملی ایران تحت هدایت امیر قلعه‌نویی، در روزهایی که باید مسیر بازسازی و پوست‌اندازی را طی می‌کرد، به کارخانه‌ای برای دستاوردسازی‌های جعلی تبدیل شده است. شکست سه بر یک مقابل ازبکستان در فرغانه و متعاقب آن باخت دو بر صفر به روسیه، تنها فروریختن یک ساختار تاکتیکی نبود؛ بلکه فروپاشی امپراتوری توهمی بود که ماه‌هاست توسط کادر فنی و فدراسیون فوتبال به خورد افکار عمومی داده می‌شود.

فصل اول؛ حماسه نباختن؛ کمدی تلخ دستاوردسازی

برای درک عمق فاجعه‌ای که امروز گریبان فوتبال ملی ما را گرفته، باید کمی به عقب برگردیم؛ به آوردگاه جام جهانی ۲۰۲۶. تورنمنتی که برای اولین‌بار با ۴۸ تیم برگزار شد و روی کاغذ، صعود از مرحله گروهی آن برای تیمی با پتانسیل ایران باید به یک حداقل بدیهی تبدیل می‌شد. اما در گروهی که نیوزیلند، بلژیک و مصر حضور داشتند، یوزهای ایرانی با نمایشی محتاطانه، ترسو و فاقد هر گونه زهر هجومی، سه تساوی متوالی به دست آوردند و در کمال ناباوری، حتی از این فرمت آسان نیز نتوانستند به مرحله حذفی راه پیدا کنند. در هر نقطه دیگری از جهان، چنین نتیجه‌ای معادل یک زلزله مدیریتی و برکناری فوری کادر فنی بود. اما در فوتبال ایران، ماشین رسانه‌ای فدراسیون و ادبیات خاص امیر قلعه‌نویی وارد عمل شدند. آنها از نباختن در جام جهانی، یک حماسه اساطیری ساختند! تیمی که نتوانسته بود از سد نیوزیلند بگذرد، پشت سپر «ما به هیچ تیمی باج ندادیم» پنهان شد. قلعه‌نویی که پیش از جام جهانی وعده موفقیت و صعود تاریخی داده بود، ناگهان در نقش تئوریسین تساوی‌ها فرورفت و فدراسیون فوتبال نیز در تصمیمی که بیشتر شبیه به یک خودکشی دسته‌جمعی بود، قرارداد او را تا پایان جام ملت‌های ۲۰۲۷ تمدید کرد. آنها با این تمدید قرارداد، به جای جراحی غده سرطانی ناکارآمدی، روی آن چسب زخم چسباندند تا بوی تعفن این فوتبال بی‌برنامه، امروز در فرغانه و کازان مشام همه را آزار دهد.

> **شکست سه بر یک مقابل ازبکستان در فرغانه و متعاقب آن باخت دو بر صفر به روسیه، تنها فروریختن یک ساختار تاکتیکی نبود؛ بلکه فروپاشی امپراتوری توهمی بود که ماه‌هاست توسط کادر فنی و فدراسیون فوتبال به خورد افکار عمومی داده می‌شود**

فصل دوم؛ وقتی واقعیت به صورت فوتبال ایران سیلی زد

ماه عسل تساوی‌های جام جهانی خیلی زود به پایان رسید. فیفادی شهریور و مهرماه، قرار بود نقطه شروعی برای آماده‌سازی جام ملت‌ها باشد، اما تبدیل به یک کابوس تمام‌عیار شد. تیم ملی در فرغانه به مصاف ازبکستان رفت؛ تیمی که سال‌هاست به عنوان یک حریف درجه دو در آسیا شناخته می‌شد، اما حالا با برنامه‌ریزی و توسعه اصولی، به کابوس ژنرال تبدیل شده است. شکست سه بر یک مقابل ازبکستان، پرده از خط دفاعی لرزان و میانه میدان بی‌برنامه ایران برداشت. اما این پایان ماجرا نبود. کاروان شکست‌خورده راهی کازان شد تا شاید مقابل روسیه، آبروی رفته را باز گرداند. اما آنچه در زمین پیاده شد، ادامه همان تراژدی بود. شکست دو بر صفر، دومین باخت متوالی امیر قلعه‌نویی را رقم زد؛ اتفاقی که پیش‌تر نیز مقابل همین دو تیم ازبکستان و روسیه در سال ۲۰۲۵ رخ داده بود. دریافت پنج گل در دو بازی و زدن تنها یک گل، نشان داد که مشکل تیم ملی نه یک اتفاق گذرا، بلکه یک بحران ساختاری است. تیمی که قرار بود با تفکرات هجومی وارد زمین شود، با ترکیبی کاملا دفاعی و استفاده از بازیکنان سرعتی در کناره‌ها (مثل رامین رضاییان و آریا یوسفی) دل به ضدحملات بست، اما نه در دفاع منسجم بود و نه در حمله زهرآگین.

فصل سوم؛ ژنرالی که پشت سربازانش پنهان می‌شود

در تاریخ فوتبال، مربیان بزرگ همواره یک ویژگی مشترک دارند؛ آنها در زمان پیروزی، اعتبار را به بازیکنان می‌دهند و در زمان شکست، مسئولیت را خود بر عهده می‌گیرند. اما امیر قلعه‌نویی، سبک جدیدی از رهبری را در تیم ملی پایه‌گذاری کرده است؛ سبکی که در آن کادر فنی همیشه بی‌عیب‌ونقص است و این بازیکنان هستند که با اشتباهات بچگانه زحمات را به باد می‌دهند. پس از فاجعه ازبکستان، قلعه‌نویی مقابل میکروفون‌ها ایستاد و گفت: «مشکل تیم بدنی نیست، اشتباهات بچگانه دو بازیکن ما باعث شد نتیجه را از دست بدهیم... امروز از دو بازیکن باتجربه آسیب دیدیم.»

پس از شکست روسیه هم دقیقا همین نوار تکرار شد: «وقتی دو گل روی اشتباه و حرکات بچگانه می‌خورید، وضعیت خوب نیست.» او حتی پا را فراتر گذاشت و شاگردانش را به خط زدن از لیست تیم ملی تهدید کرد! این ادبیات تکراری، خسته‌کننده و فرافکنانه، توهین به شعور مخاطب فوتبال است. وقتی تیمی در دو بازی متوالی، با ساختاری آشفته گل می‌خورد، وقتی فاصله بین خطوط به اندازه یک اتوبان است و وقتی بازیکنان در جایگیری‌های ابتدایی مشکل دارند، آیا باز هم مقصر فقط اشتباهات فردی است؟ سرمربی تیم ملی به جای پذیرش ضعف‌های بنیادین تیمش، بازیکنان را به عنوان سپر انسانی مقابل تیر منتقدان قرار می‌دهد. او با پناه بردن به مفاهیم آماری مثل ایکس جی (امید گل) سعی دارد بگوید که تیمش عالی بازی کرده و فقط توپ‌ها گل نشده است. قلعه‌نویی فراموش کرده که فوتبال، بازی ریاضیات روی کاغذ نیست؛ بازی شعور تاکتیکی در مستطیل سبز است.

فصل چهارم؛ افسانه «هفت پلن»

نقد عملکرد تیم ملی بدون اشاره به کادر فنی عریض و طویل امیر قلعه‌نویی، نقدی ناقص است. در راس این دستیاران، سعید الهویی قرار دارد؛ مربی‌ای که پیش‌تر در یک اظهارنظر تاریخی و طنزآلود مدعی شده بود کادر فنی تیم ملی حداقل هفت پلن برای شرایط مختلف بازی طراحی کرده است! حالا و پس از دیدن نمایش‌های تیم ملی مقابل ازبکستان و روسیه، افکار عمومی حق دارد بپرسد جناب الهویی، ایکس جی را رها کنید، از پلن هفتم چه خبر؟ تیمی که ما در زمین دیدیم، حتی برای اجرای پلن A خود (یعنی ارسال توپ‌های بلند و استفاده از توپ‌های سوم) هم عاجز بود، چه رسد به پلن‌های ثانویه. برای اثبات این مدعا، کافی است گل اول روسیه را با دقت کالبدشکافی کنیم. قلعه‌نویی مدعی است که این گل روی اشتباه فردی سیدحسین حسینی در شروع مجدد به ثمر رسید. بله، شروع حسینی فاجعه‌بار بود، اما آنچه پس از آن رخ داد، نماد ورشکستگی تاکتیکی تیم قلعه‌نویی است. پس از لو رفتن توپ، انتقال منفی (ترانزیشن از حمله به دفاع) در تیم ایران به کندترین و مرگبارترین شکل ممکن انجام شد. هافبک‌ها به جای پرس سریع، نظاره‌گر پاسکاری روس‌ها بودند. صالح حردانی در قلب خط دفاعی، با جایگیری کاملا اشتباه، آفساید را پر کرده بود و رامین رضاییان آن‌قدر دیر به کارزار اضافه شد که مهاجم حریف به راحتی دروازه را فروریخت. این‌ها اشتباه فردی نیست جناب قلعه‌نویی! این فقدان ساختار دفاعی، عدم تمرین انتقال فاز و نبود هارمونی در خط پشتی است. این‌ها دقیقا همان چیزهایی است که وظیفه کادر فنی است، نه بازیکن.

فصل پنجم؛ جست‌وجو برای امداد غیبی در آنتالیا

در حالی که تیم ملی در بحرانی‌ترین روزهای خود به سر می‌برد، فدراسیون فوتبال نیز اوج ناکارآمدی خود را به نمایش گذاشته است. با ادغام فیفادی‌های سپتامبر و اکتبر، تیم‌ها فرصت انجام چهار بازی دوستانه را داشتند، اما فدراسیون مهدی تاج تنها موفق به هماهنگی همین دو بازی (آن‌هم در خانه حریفان) شد. حالا تیم ملی در کازان بلاتکلیف است. در روزهایی که ثانیه‌ها برای آماده‌سازی جام ملت‌ها طلا هستند، قلعه‌نویی به سناریوی مضحک بازی درون تیمی فکر می‌کند! از سوی دیگر، فدراسیون در به در در حال رایزنی است تا یک تیم درجه سه یا چهار (شاید با رنکینگ سه رقمی فیفا) را در آنتالیای ترکیه پیدا کند تا شاگردان قلعه‌نویی با پیروزی مقابل آنها، بحران را موقتا به حاشیه برانند. این جست‌وجو برای یک حریف ضعیف به عنوان امداد غیبی، توهین به نام تیم ملی ایران است. آیا بردن تیمی در قواره تانزانیا (که پیش‌تر به عنوان مسکن برای جبران باخت‌های قبلی استفاده شده بود) می‌تواند ضعف‌های ساختاری تیمی که به ازبکستان و روسیه می‌بازد را درمان کند؟ قلعه‌نویی بیش از چهار ماه است که طعم پیروزی را نچشیده (از زمان برد مقابل مالی) و حالا برای حفظ صندلی لرزانش، به هر دستاویزی حتی بازی با تیم‌های گمنام چنگ می‌زند.

کلام آخر؛ تیمی که ژنرال ندارد

تیم ملی فوتبال ایران این روزها شبیه به کشتی طوفان‌زده‌ای است که کاپیتانش به جای هدایت سکان، در حال سرزنش ملوانان و توجیه سوراخ شدن بدنه کشتی است. جام جهانی ۴۸ تیمه، فرصتی بود که با لجاجت و ترس تاکتیکی سوخت و به یک دستاورد دروغین تبدیل شد. حالا اما، در آستانه جام ملت‌های آسیا، دیگر خبری از معجزه‌های خیالی نیست. آقای قلعه‌نویی! دوران پنهان شدن پشت واژه‌های ثقیل، حمله به بازیکنان خودی و بازی با آمار و ارقام به سر آمده است. شما به عنوان بالاترین مقام فنی تیم، مسئول مستقیم این سردرگمی، بازی بی‌روح و شکست‌های سریالی هستید. تیمی که نتواند در یک بازی دوستانه از پس پرس ازبکستان بربیاید، چگونه می‌خواهد در آوردگاه اصلی جام ملت‌ها، مقابل غول‌هایی چون ژاپن، کره جنوبی، عربستان و استرالیا قد علم کند؟

رویای ۵۰ ساله پادشاهی در آسیا، با ادبیات خسته‌کننده، دستیاران پرادعا و بی‌عمل و سرمربی‌ای که هر گزاشتباهاتش را نمی‌پذیرد، محقق نخواهد شد. فوتبال ایران تشنه افتخار است، اما با این فرمان، مانه تنها به ساحل آرامش نمی‌رسیم، بلکه در همان گام‌های نخست جام ملت‌ها، در گرداب خودپسندی و بی‌برنامگی غرق خواهیم شد. شاید وقت آن رسیده باشد که فدراسیون فوتبال، پیش از آنکه فاجعه‌ای بزرگ‌تر رقم بخورد، از خواب زمستانی بیدار شود؛ چراکه این ژنرال، مدت‌هاست که استراتژی پیروزی در میدان نبرد را فراموش کرده است.

> **در حالی که تیم ملی در بحرانی‌ترین روزهای خود به سر می‌برد، فدراسیون فوتبال نیز اوج ناکارآمدی خود را به نمایش گذاشته است. با ادغام فیفادی‌های سپتامبر و اکتبر، تیم‌ها فرصت انجام چهار بازی دوستانه را داشتند، اما فدراسیون مهدی تاج تنها موفق به هماهنگی همین دو بازی (آن‌هم در خانه حریفان) شد**



چهره به چهره

چهار ستاره‌ای که پشت سد تفکرات قلعه‌نویی ماندند
توریست‌های تیم ملی

نازنین دشتی

سوت پایان که در ادوی تیم ملی به صدا درآمد، تابلوی نتایج چیزی جز ناامیدی برای فوتبال ایران به همراه نداشت. دو بازی تدارکاتی در فیفادی، دو شکست تلخ و نمایش‌هایی که موجی از انتقادات را به سوی نیمکت تیم ملی روانه کرد. کاروان ۲۵ نفره تیم ملی ایران که پس از جا ماندن محمد محبی به دلیل مشکلات خروج از کشور، با هدایت امیر قلعه‌نویی راهی فرغانه شده بود تا برابر ازبکستان تحت هدایت فابیو کانناوارو و سپس تیم ملی روسیه صف‌آرایی کند، با دستانی خالی و کارنامه‌ای تاریک به کار خود پایان داد. ثبت شکست دو بر صفر مقابل روسیه، نقطه اوج این روزهای پرالتهاب بود. اما در میان هیاهوی این ناکامی‌ها، قصری از سکوت روی نیمکت تیم ملی بنا شده بود؛ جایی که ۲۱ بازیکن فرصت حضور در مستطیل سبز را پیدا کردند، اما چهار نفر تنها سهم‌شان از این ادوی ملی، تماشای نمایش متزلزل هم‌تیمی‌های‌شان از روی سکوها و نیمکت بود. این داستان چهار بازیکنی است که هرچه تلاش کردند، نتوانستند کلید ورود به پازل تاکتیکی امیر قلعه‌نویی را پیدا کنند.



محمد نادری؛ در حسرت ابدی پرده چهارم

قصه محمد نادری در تیم ملی، روایتی از انتظار و نادیده گرفته شدن است. مدافع چپی که اولین‌بار در آن روزهای پرالتهاب تیم ملی زیر نظر مارک ویلموتس و در جریان شکست معروف برابر عراق، با تعویض به جای میلاد محمدی پا به عرصه ملی گذاشت. در آن روزها، بسیاری او را رقیبی تازه‌نفس و جدی برای احسان حاج‌صفی و میلاد محمدی می‌دانستند، اما با رفتن مرد بلژیکی، درهای تیم ملی هم به روی نادری بسته شد. نه در اگان اسکوچیچ و نه کارلوس کی‌روش، هیچ‌کدام روی نام او توقف نکردند. با این حال، بازگشت او به فرم ایده‌آل و درخشش در هفته‌های آغازین لیگ برتر با پیراهن تراکتور، قلعه‌نویی را مجاب کرد تا پس از حضور نصفه‌ونیمه در تورنمنت کافا (برابر افغانستان و هند)، بار دیگر او را به اردو فرا بخواند. انتظار می‌رفت پس از اشتباهات مرگبار و نمایش دور از انتظار احسان حاج‌صفی مقابل ازبکستان، طلسم بازی نکردن‌های نادری شکسته شود. به‌خصوص در روزی که قلعه‌نویی تصمیم گرفت برابر روسیه با سیستم دفاع پنج‌نفره به میدان برود، جای خالی یک وینگ‌بک چپ کلاسیک مانند نادری به‌شدت احساس می‌شد. اما در کمال ناباوری، نه تنها او در ترکیب اولیه ۱۱ نفره جایی نداشت، بلکه حتی زمانی که کادر فنی مجبور به تعویض اجباری شد، این احسان حاج‌صفی نیمکت‌نشین بود که به زمین رفت تا در پستی غیرتخصصی و به عنوان وینگر چپ بازی کند. سوت پایان بازی با روسیه، مهر تاییدی بود بر تمدید حسرت نادری؛ بازیکنی که به نظر می‌رسد برای رسیدن به چهارمین بازی ملی‌اش، باید کوهی از بی‌اعتمادی را جابه‌جا کند.



محمدمهدی زارع؛ جوانی که در سایه نام‌ها گم شد

وقتی خط دفاعی تیم ملی در هر دو بازی مقابل ازبکستان و روسیه متزلزل، کند و پراشتباه ظاهر شد، دوربین‌ها بارها چهره محمدمهدی زارع را روی نیمکت شکار کردند. پدیده این فصل پرسپولیس که در کنار محمدحسین کنعانی‌زادگان زوجی مستحکم در لیگ برتر ساخته، به فرغانه سفر کرده بود تا شاید خون تازه‌ای به رگ‌های دفاع پیر و خسته تیم ملی تزریق کند. اما امیر قلعه‌نویی که همواره نشان داده در بازی‌های ملی به شدت روی تجربه بازیکنان پابه‌سن گذاشته حساب باز می‌کند، حتی یک دقیقه هم به این مدافع جوان اعتماد نکرد. این سکونشینی برای زارع چندان هم ناآشنا نبود. او سال گذشته نیز با وجود بازی در لیگ روسیه و شناخت کامل از سبک بازی روس‌ها، در جریان دو بازی تدارکاتی برابر تانزانیا و روسیه، تنها یک تماشاگر ویژه بود. به نظر می‌رسد در تفکرات سرمربی تیم ملی، عبور از نام‌هایی چون شجاع خلیل‌زاده و علی نعمتی برای یک بازیکن جوان، ماموریتی غیرممکن است. زارع برای اینکه بتواند طلسم پیراهن ملی را بشکند و اولین بازی خود را در این سطح تجربه کند، دو راه بیشتر پیش رو ندارد؛ یا باید صبری ایوب‌وار پیشه کند تا نسل فعلی به پایان راه برسد، یا منتظر تغییراتی بنیادین در نگاه کادر فنی تیم ملی بماند.

عارف آقاسی؛ سدی از مدافعان غیر تخصصی مقابل یک استعداد

شرایط عارف آقاسی شاید از بقیه هم در دانش روی نیمکت عجیب‌تر باشد. مدافعی که با دراگان اسکوچیچ مقابل الجزایر طعم بازی ملی را چشید و سپس تحت هدایت خود قلعه‌نویی در مقدماتی جام جهانی ۲۰۲۶ برابر قطر و کره‌شمالی به میدان رفت. او که در تورنمنت کافا نیز یکی از مهره‌های مورد استفاده کادر فنی بود، این فصل با بازگشت به فرم ایده‌آل خود در استقلال، با انگیزه‌هایی مضاعف به اردو پا گذاشت. اما معادلات در فرغانه و برابر روسیه به گونه‌ای رقم خورد که آقاسی به انتهای صف مدافعان سقوط کرد. قلعه‌نویی در این دو دیدار نه تنها به ترکیب شجاع خلیل‌زاده و علی نعمتی دست نزد، بلکه سامان فلاح و حتی صالح حردانی را در سلسله مراتب دفاعی بالاتر از آقاسی قرار داد. مدافع آماده این روزهای فوتبال ایران، در حالی شاهد شکست‌های تیم ملی بود که به خوبی می‌دانست توانایی پر کردن حفره‌های خط دفاعی را دارد، اما تفکرات محافظه‌کارانه کادر فنی، او را به توریستی دیگر در این سفر تبدیل کرد.



میلاد سورگی؛ مسافری برای تنظیم معدل سنی

در میان تمام دعوت‌شدگان به این اردو، نام میلاد سورگی بیشترین علامت سوال را در ذهن هواداران و کارشناسان ایجاد کرد. در روزهایی که غیبت ستاره‌های آماده و هجومی فوتبال ایران مانند مهدی قایدی و اللهیار صیادمنش به‌شدت مورد انتقاد قرار گرفته بود، حضور سورگی در لیست نهایی قلعه‌نویی تصمیمی پرریسک و بحث‌برانگیز به نظر می‌رسید. با این حال، خود این بازیکن هم احتمالا در اعماق ذهن خود می‌دانست که در ترافیک خط حمله تیم ملی و حضور غول‌هایی چون سردار آزمون و مهدی طارمی، قرار نیست معجزه‌ای رخ دهد و او به میدان برود.

استراتژی قلعه‌نویی در استفاده از مدافعان کناری به جای وینگرهای تخصصی، میخ آخری بود بر تابوت امیدهای سورگی برای بازی کردن. در واقع، حضور او در این اردو را نمی‌توان چیزی جز یک تصمیم تزئینی برای کاهش روی کاغذ میانگین سنی تیم ملی دانست. سورگی نباید از این سکونشینی ناراحت باشد؛ او بلیت ویژه‌ای برای حضور در کنار ستاره‌های بزرگ فوتبال ایران داشت و همین که در این هیاهو نامش در لیست تیم ملی قرار گرفت، برای این مقطع از دوران حرفه‌ای‌اش یک دستاورد محسوب می‌شود.

انتظار برای معجزه‌ای که شاید هرگز نیاید

تیم ملی ایران فیفادی شهریور و مهرماه را با دو شکست، نمایش‌هایی انتقادآمیز و تمدید بحران‌های تاکتیکی به پایان رساند. در این میان، محمد نادری، محمدمهدی زارع، عارف آقاسی و میلاد سورگی نمادهایی از بن‌بست اعتماد در تیم ملی شدند.

حالا نگاه همه به فدراسیون فوتبال دوخته شده است؛ آیا بازی تدارکاتی سومی در کار خواهد بود تا شاید قلعه‌نویی برای خروج از زیر این فشار خردکننده، تغییری در ترکیب ایجاد کند؟ و حتی اگر سوت آغاز بازی سومی به صدا دربیاید، آیا دیوار بلند بی‌اعتمادی کادر فنی به این چهار نفر فرو خواهد ریخت؟ یا آنها باید چمدان‌های‌شان را با دستانی خالی‌تر از قبل ببندند و با خاطره‌ای از سرمای نیمکت به لیگ برتر بازگردند؟ زمان، تنها قاضی این میدان خواهد بود.

